

# خشونت اقتصادی و ناکارآمدی زنان



## روزنامه نگار - پورماهرخ غلامحسین

تواند تاییدش کند. هم دلی کسی را بر نمی انگیزد و ممکن است کسی از آن باکند نه پزشکی قانونی می خشونت اقتصادی نه کبود می خبر نشود. اما بی رحم تر از همه اشکال خشونت است و کاملاً زیرپوستی و در لایه های پنهان زندگی، قربانی را ناکارآمد و ناتوان می کند.

ها زیر لایه زیرین پوست زندگی کندخزد و ممکن است روزاید در اروپای شرقی نوعی کنه هست که گاهی زیر پوست انسان می لابد شنیده ، بدون اینکه از خودش نشانه ای به جا بگذارد، خون خوار است با ضمایم دهانی تکامل یافته جهت مکیدن و سوراخ کردن، سخت و مقاوم کند. خشونت اقتصادی نیز بارحم که وقتی ساکن بدن میزبان شد به ندرت و فقط در شرایط تب بسیار بالا میزبان را ترک می و سمج و بی بلعد. همان سکوت و سایه، فرد قربانی را می همان هجمه و در

بافت، من اولین بار قلاب بافی را از حرکت هنرمندانه انگشتان ظریف او یاد گرفتم، زنی که همیشه رنگ های زیبا می خاله ربابه بافتنی» به چهره نداشت، احساس می کردی زیر پوستش را هم می شود دید، ناتوان و ضعیف بود جوری که هر لحظه حس می کردی با آن لبخند مهربانش دارد فرومی پاشد، طول کشید تا من بفهمم خاله ربابه چرا دم ظهر که می شد سرو کله اش به یک بهانه توی حیاط ما پیدا می شد و مادرم تقریباً همیشه به زور و اصرار دعوتش می کرد به خوردن یک پیش دستی کوچک دم پختک تازه دم آمده، یتیمچه یا هر چه که با دستان مهربانش پخته بود. مادرم می دانست شوهر خاله ربابه هر روز قبل از راهی شدن سر کار در یخچال خانه را قفل می کند و می خواست با اصرارهای مکررش مناعت خاله ربابه سر جایش باقی بماند، این را وقتی فهمیدم که یک روز از زور تشنگی رقم سراغ یخچال شان و «شود. دیدم یک قفل کوچک سیاه دو زبانه به یخچال وصل شده و در یخچال باز نمی

دکتر جلال ایجادی، جامعه شناس و استاد دانشگاه پاریس در گفت و گو با شرق پاریس خشونت اقتصادی بر علیه زنان را این طور تعریف خلع مالکیت و حذف فعالیت شغلی، قطع یا ایجاد مانع در روند درآمد و انتقال دستمزد زن به حساب مرد، محروم کردنش از» کرده است: چک و کارت اعتباری و پول روزمره و یا تحمیل هزینه های کودکان به مادر در شرایط توانایی مرد، که همه این ها بخشی از اشکال «مختلف سوء استفاده اقتصادی بر علیه زنانند.

لذت پنهانی و ناخودآگاه مرد در ادامه وابستگی اقتصادی زن است و بنابراین تلاش مرد در» گوید: گو می و شناس در همین گفت این جامعه است، و در «آور خانواده نان» کند. در زمینه اقتصادی و مطابق قانون ایران، در اغلب موارد، مردانحصار امکانات مالی تمرکز پیدا می موارد متعددی دیده شده که مرد نه تنها زن را از امکانات اولیه محروم می کند، بلکه زمانی که زن شغل و درآمد دارد، اجازه استفاده از «دهد. درآمدش را به او نمی

من که» چون آن سند در اختیار همسر اوست یا! اش خبر ندارید که زنی از سند مالکیت خانه گو با دوستانان بارها شنیده و لابد در گفت و «رودها نمی درآمدش عالی است ولی زیر بار خرج بچه» یا «کندمدت هاست حقوقم را او دریافت می»، «اجازه فروش ملکم را ندارم جملاتی از این دست که شنیدنش دردآور است.

خشکانند، وقتی دست گیرد و می ها را نشانه می خشونت اقتصادی یا کنترل منابع مالی دیگری و ندیده گرفتن حق مالکیتش عملاً ریشه جلوی دیگری دراز است و پشت سرت و جلوی رویت هیچ امکانی برای برنامه ریزی اقتصادی نیست، به ناچار تن به همه آن چیزهایی می دهی که دیگری برایت طراحی می کند، چه بسا اگر استقلال اقتصادی بود هرگز یک زن تن به رفتارهای خشونت بار روانی، کلامی و جنسی نمی داد یا اساساً در معرض آن قرار نمی گرفت.

## بیکاری چند برابری زنان ایرانی

مرکز آمار ایران می‌گوید آمار زنان بیکار ایران دو و نیم برابر بیشتر از مردان است.

نرخ مشارکت اقتصادی زنان در اقتصاد ایران در سال گذشته ۲۱ درصد بوده که متأسفانه این رقم در مقایسه با نرخ مشارکت ۶۱ درصدی زنان در افغانستان، ۴۲ درصدی زنان در پاکستان و ۵۱ درصدی زنان کشور عراق، از سطح نازل تری برخوردار است و این در حالی است که نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی از سوی بانک جهانی در قطر ۰۵ درصد، و در کشور هلند ۰۸ درصد برآورد شده است.

های اقتصادی به خبرنگار خانه، اقتصاددان و فعال حقوق بشر در باره علت ممانعت از حضور زنان در فعالیت «فریبرز رئیس دانا» دکتر ها بروز خشونت اقتصادی یا ممانعت از حضور زنان برای اشتغال، یک معضل فرهنگی و روحی و روانی در برخی خانواده» گوید: «من می‌است. گاهی مردها به دلایل بی‌موردی زن را در خانه حبس می‌کنند حتی وقتی به لحاظ مالی در مضیقه‌اند که این بحث نیاز به نگاه «شناسی دارد. شناختی و روان‌ای از منظر جامعه‌موشکافانه»

خواهم دستم توی جیب خودم همان اول هم صادقانه به او گفتم می‌با این‌که در محل کارم با همسرم آشنا شدم و از» گوید: «روشنک می‌باشد و این مسئله به من هویت و احساس استقلال می‌دهد؛ اما از وقتی ازدواج کرده‌ایم به بهانه‌های مختلفی مرا تحت فشار گذاشته تا از کار کردن دست بکشم، از هیچ راهی هم مضایقه نمی‌کند، اوایل قهر می‌کرد و حرف نمی‌زد، خرجی نمی‌داد، کم محلی می‌کرد، بعدها نهایت مجبور ها و خانواده کشیده شد. در کار به مشاجره و درگیری کشید و بعد هم آنقدر اوقات تلخی درآورد که کارمان به پدر و مادر شدم در اوج موفقیت شغلی و در روزهایی که شاهد ارتقاء کارم بودم، بین حفظ چهارچوب ازدواجم و شغلم یکی را انتخاب کنم چون «رها کردم. میلی و دلخوری هنوز آمادگی طلاق نداشتم برای همین هم کارم را در کمال بی

رئیس دانا در این باره با اشاره به این‌که بالا رفتن نرخ بیکاری در کشور هم کار زنان و هم کار مردان را دشوار کرده و به همین دلیل هم گوید: «زنان مجبورند به مشاغل پائین دستی جامعه روی بیاورند و گاهی اوقات امتناع مردان در این مورد تا حدودی قابل فهم است می‌های ناشی از نبودن وقتی زنان مجبورند به کارهای کم ارزش رو بیاورند، طبیعی است مردان مخالفت کنند. برآوردشان این است که هزینه» زن و کمک نکردن در امورات خانه خیلی بیشتر از درآمدی است که ممکن است با اشتغالش به دست بیاید. یعنی اقتصاد خانواده را به مبحث فرهنگی کار کردن یا کار نکردن زن ارجح می‌دانند. مثلاً فرض کنید خانمی که محل زندگی‌اش باقر آباد است بخواهد برود الهیه «های رفت و آمد و غیره و ذالک اساساً مقرون به صرفه نیست در شرکتی منشی شود. این ماجرا با در نظر گرفتن هزینه

بازداشتن زن از کار، بدون دلایل قانونی فقط از طریق رفتار خشونت آمیز ممکن است. در صورتی که مرد» افزایش: «این فعال حقوق بشر می‌بی‌دلیل زن را از ادامه اشتغالش باز دارد زن می‌تواند مهریه خود را اجرا بگذارد. در این مورد قوانین سخت گیرانه‌ای هم هست اما مشکل «کند. اینجاست که این قوانین در بهبود شرایط زنان کمک چندانی نمی‌

تواند کمک‌آنچه می‌پرسم به نظرش چه راهکاری برای حل این مشکل مناسب و عملی است؟ او پاسخ می‌دهد: «از این اقتصاددان می‌موثری باشد این است که زن به لحاظ قانونی در خانواده باید به عنوان عضوی که مالک نیمی از دارایی‌های خانواده است به رسمیت شناخته شود، این قوانین سخت گیرانه ایی که در جامعه ما اجرا می‌شود مثل به اجرا گذاشتن مهریه، متأسفانه نشانه تامين حقوق زنان «نیست.

کند، نگران به دلیل اینکه دولت ایدئولوژیک از یک طرف سهم زن را از اشتغال بنا بر شواهد موجود، کم می‌» به اعتقاد این حقوقدان درصد ورود آنان به دانشگاه است و سهم آنان را از آموزش می‌کاهد یا مشاغل پائین دستی و با حقوق کمتر را برای زنان در نظر می‌گیرد و از طرف دیگر در صورت اعتراض مرد به اشتغال زن، با دریافت مهریه زن به نرخ روز مرد را از هستی ساقط می‌کند. یعنی مسئله حق بزرگ زنان را تبدیل به یک مسئله شخصی منتهی به رودرویی و جنگ و جدال با شوهر می‌کند و این شکل برخورد اساساً مخالف اصول اساسی «حقوق زنان است.

خشونت اقتصادی تعاریف و» گوید: «های اقتصادی باید چه راهکارهایی اندیشید؟ می‌او در پاسخ به این سوال که برای حل معضل خشونت اشکال متعدد دارد. مثلاً هر نوع فحاشی و حبس کردن و اتهام زدن به زن به واسطه کار کردنش در یک فضای اجتماعی یا بیرون از خانه هم بخشی از مصادیق بارز خشونت اقتصادی است. اما وظیفه و تلاش اجتماعی اما به جای تمرکز بر روی خود مسئله خشونت باید بر روی «علل بروز خشونت باشد تا به نتیجه مطلوب برسد.

ترین دلایل بروز خشونت اقتصادی مسائل فرهنگی و تعصب از مهم» کند: «او به یکی از اصلی ترین دلایل بروز خشونت اقتصادی اشاره می‌سنتی است. این وظیفه دولت است که بر کنترل این قبیل تعصبات نظارت و برنامه ریزی داشته باشد ولی دولتی که اندیشه ایدئولوژیک دارد گاهی با این خشونت‌ها همراه هم می‌شود و با ایجاد تبعیض میان زنان و مردان یک جامعه به این خشونت‌ها دامن می‌زند و بعد برای «برد. دهد که بنیان خانواده را از بین می‌جبران آن امتیازهایی می‌

کند و آن هم‌شناسم که این موضوع را تشدید می‌من یک خشونت غیر مستقیم و پنهان را هم می‌» کند که: رئیس دانا در انتها تأکید می‌

تفکر ایدئولوژیک دولتی است، گرچه در بعضی طبقات آگاه‌تر جامعه این خشونت در واقع به صورت یک حرکت سیستماتیک از میان رفته یا حداقل کم‌رنگ‌تر شده و تحول‌های اجتماعی کار خود را کرده و تشکل‌های غیر دولتی در بالا بردن سطح آگاهی زنان از جایگاه خود اما این تغییرات در طبقه محدودی اتفاق افتاده و متأسفانه دخیل بوده و همین آگاهی نیز توانایی و نیروی اقتصادی آنان را بالا برده است، «شوند. های اقتصادی چندان به رسمیت شناخته نمی‌های اجتماعی و تشکل در جامعه ما اورژانس

او تاکید می‌کند که دستیابی به قوانین مرفقی‌تر باید از طریق خود زنان و تشکل‌های غیر رسمی آنان باید صورت بگیرد.

منبع:

<http://www.sharqparsi.com/4102/30/article36321>

۳/۴۱۰۲/دویچه وله. ۳/بیکاری زنان در ایران دو و نیم برابر مردان است